

فهرست مطالب

چکیده.....	۹
فصل اول: کلیات خواسته و دعاوی.....	۱۱
مبحث اول: مفهوم و اقسام خواسته و ویژگی‌های خواسته‌ی قابل مطالبه.....	۱۱
گفتار اول: مفهوم و انواع خواسته.....	۱۲
بند اول: مفهوم خواسته، تعیین و تقویم آن.....	۱۲
بند دوم: اقسام خواسته.....	۱۷
گفتار دوم: ویژگی‌های خواسته‌ی قابل مطالبه.....	۱۷
مبحث دوم: جهات اهمیت خواسته.....	۲۰
مبحث سوم: تعدد و تجزیه خواسته.....	۲۴
گفتار اول: تعدد خواسته.....	۲۴
گفتار دوم: تجزیه‌ی خواسته.....	۳۰
مبحث چهارم: ایرادات وارد بر خواسته در دادخواست.....	۳۱
مبحث پنجم: استثنا بر تعیین خواسته در زمان تقدیم دادخواست.....	۳۴
مبحث ششم: بهای خواسته و اعتراض به آن.....	۳۶
گفتار اول: بهای خواسته.....	۳۶
بند اول: معنی و مفهوم بها.....	۳۶
بند دوم: مفهوم بهای خواسته.....	۳۷
بند سوم: دلایل اهمیت بهای خواسته.....	۳۸
الف) از حیث هزینه‌ی دادرسی.....	۳۸
ب) از حیث قابلیت تجدیدنظر.....	۳۹
ج) از حیث صلاحیت.....	۳۹
بند چهارم: نحوه تعیین بهای خواسته.....	۴۰
گفتار دوم: اعتراض به بهای خواسته.....	۴۱

- بند اول: معنی و مفهوم اعتراض ۴۱
- بند دوم: معنی و مفهوم اعتراض به بهای خواسته ۴۲
- مبحث هفتم: دعاوی مالی و غیر مالی ۴۲
- گفتار اول: مفهوم دعاوی مالی و غیرمالی ۴۳
- بند اول: دعاوی مالی ۴۳
- بند دوم: دعاوی غیر مالی ۴۶
- گفتار دوم: ضوابط مربوط به تفکیک دعاوی مالی از غیرمالی ۴۶
- فصل دوم: نحوه تقویم خواسته و شرایط اعتراض به آن ۵۷**
- مبحث اول: اصول حاکم بر تقویم خواسته ۵۷
- گفتار اول: اصل مالی بودن هر دعوی حقوقی ۵۷
- مبحث دوم: اصل حاکمیت اصحاب دعوی مدنی ۶۲
- گفتار اول: اصل لزوم پرداخت هزینه دادرسی در هنگام تقویم دادخواست ۶۴
- بند اول: اصل واقع نگری و واقع گرایی ۶۵
- گفتار دوم: معیار تشخیص دعاوی مالی و غیر مالی ۶۵
- بند اول: مالکانه یا غیر مالکانه بودن ادعا ۶۶
- بند دوم: قابلیت یا عدم قابلیت تقویم خواسته ۶۷
- بند سوم: نتیجه حاصل از دعوا ۶۷
- بند چهارم: هدف و مقصود مدعی ۶۷
- بند پنجم: نوع حق موضوع نزاع ۶۸
- گفتار سوم: شرایط اعتراض تقویم خواسته ۶۸
- بند اول: بقای اختلاف بین طرفین دعوا ۶۸
- بند دوم: تاثیر اختلاف در قابل تجدید نظر یا فرجام بودن رای ۷۰
- بند سوم: وجه نقد نبودن خواسته ۷۳
- بند چهارم: اعتراض تا اولین جلسه دادرسی ۷۶
- بند پنجم: طرح اعتراض از جانب خوانده ۷۸
- بند ششم: اعلام قیمت و ارزش توسط خوانده ۸۰
- فصل سوم: غیر ممکن بودن تقویم خواسته و انواع و آثار آن ۸۳**
- مبحث اول: تعریف «غیر ممکن بودن تقویم خواسته» ۸۳

۸۴	گفتار اول: انواع «غیر ممکن بودن تقویم خواسته»
۸۴	بند اول: غیر ممکن بودن «ذاتی» تقویم خواسته
۸۸	بند دوم: غیر ممکن بودن «حکمی» تقویم خواسته
۹۰	گفتار دوم: موقتی بودن عدم امکان تقویم خواسته
۹۶	بند سوم: امکان تقویم خواسته
۹۷	گفتار سوم: آثار غیر ممکن بودن تقویم خواسته
۹۷	بند اول: هزینه دادرسی
۹۹	بند دوم: تاثیر ممکن بودن تقویم خواسته بر امکان تجدید نظر
۱۰۰	نتیجه‌گیری و پیشنهادات
۱۰۳	فهرست منابع

avabook.com

چکیده

خواهان مکلف است بهای خواسته را تقویم نماید. منظور از بها در اینجا به معنای ارزش است و تعیین اعم از معلوم و معین نمودن است، یعنی خواسته باید به گونه‌ای مشخص شود که هیچگونه ابهامی در آن نباشد. دادگاه باید به تمامی خواسته‌های خواهان، نفیاً و اثباتاً توجه نماید. البته ممکن است دادگاه ذی حقی خواهان را احراز ننماید. منظور از تقویم، ارزیابی بوده و منظور از تقویم بهای خواسته، «ارزیابی قیمت خواسته» می‌باشد.

اصول حاکم بر تقویم خواسته را می‌توان به ترتیب ذیل نام برد: الف- اصل مالی بودن هر دعوی حقوقی. ب- اصل حاکمیت اصحاب دعوی مدنی. ج- اصل لزوم پرداخت هزینه دادرسی در هنگام تقویم دادخواست. د- اصل واقع نگری و واقع گرایی. از طرف دیگر خواسته‌های قابل تقویم ذاتی را با ملاکهای ذیل می‌توانیم شناسایی کنیم؛ ۱- مالکانه بودن ادعا. ۲- قابلیت تقویم خواسته. ۳- نتیجه حاصل از دعوا ۴- مقصود دعوا. ۵- نوع حق موضوع نزاع.

امکان تقویم برای تمام «خواسته‌ها» وجود ندارد. از این لحاظ، خواسته‌ها را می‌توان به چند دسته تقسیم نمود؛ الف- «خواسته‌هایی» که امکان تقویم برای آنها موجود نیست، این خواسته‌ها مالی نیستند و هدف از اقامه این دعوی، اقتصادی نبوده بلکه ارتباطات عاطفی می‌باشد. ب- «خواسته‌هایی» مالی که امکان محاسبه آن سخت بوده و چه بسا نتوان ملاک دقیقی برای محاسبه آنها پیدا نمود. قانونگذار برای سهولت کار آنها را در

حکم «خواسته‌های غیر مالی» قرار داده و ما عدم امکان تقویم آنها را «اعتباری» می‌نامیم. ج- خواسته‌هایی که تقویم بهای آنها در ابتدای امر سخت بوده و نمی‌توان هنگام تقدیم دادخواست آنها را تقویم نمود. د- خواسته‌هایی که تقویم آنها چندان مشکل نبوده و خواهان می‌تواند هنگام تقدیم دادخواست آنها را تقویم نماید.

واژگان کلیدی: خواسته، تعیین خواسته، تقویم خواسته، دعوای مالی، دعوای غیرمال

avabook.com

فصل اول: کلیات خواسته و دعاوی

در این فصل، طی ۷ مبحث مسائل مرتبط با خواسته‌ی دعوی و نیز انواع دعوی (مالی و غیرمالی) مطرح می‌گردد. در مبحث اول مفهوم و اقسام خواسته و ویژگی‌های خواسته‌ی قابل مطالبه در دو گفتار بررسی می‌گردد. در مبحث دوم جهات اهمیت خواسته ذکر می‌شود. مبحث سوم به تعدد و تجزیه‌ی خواسته اختصاص دارد. در مبحث چهارم به توضیح در خصوص ایرادات وارد بر خواسته در دادخواست پرداخته می‌شود. مبحث پنجم به بیان استثنا بر تعیین خواسته در زمان تقدیم دادخواست می‌پردازیم. و در مبحث ششم به توضیح در خصوص بهای خواسته و اعتراض به آن خواهیم پرداخت. سرانجام، هفتمین و آخرین مبحث، اختصاص به دعاوی مالی و غیرمالی به دلیل اهمیت آن بر موضوع این کتاب دارد.

مبحث اول: مفهوم و اقسام خواسته و ویژگی‌های خواسته‌ی قابل مطالبه

در این مبحث به بیان مفهوم خواسته، اقسام آن و ویژگی‌های خواسته‌ی قابل مطالبه می‌پردازیم.

گفتار اول: مفهوم و انواع خواسته

در این گفتار خواسته و مسایل مرتبط با آن یعنی تقویم و تعیین خواسته را در بند اول، تعریف نموده و سپس در بند دوم، اقسام آن را با توجه به قانون آئین دادرسی مدنی بیان می‌نمائیم.

بند اول: مفهوم خواسته، تعیین و تقویم آن

الف) مفهوم خواسته

معین در معنای خواسته نوشته است: «۱- طلب شده. ۲- اراده شده. ۳- (ا.) مال، ثروت، دارای.

۴- (حق) امر مورد دعوی (مدعی به).^۱

عمید نیز در معنای خواسته بیان داشته است: «۱- چیزی که مورد نیاز است، مطلوب. ۲- (اسم)

(حقوق) مال مورد دعوی، مدعی به. ۳- (قدیمی) اراده. ۴- [قدیمی] مال، دارایی، ثروت.»^۲

خواسته همچنین نعت مفعولی از مصدر خواستن به معنای مورد درخواست و خواهش است.^۳

با وجود اینکه، عبارت «خواسته» در قوانین و مقررات مختلف از جمله آئین دادرسی و بعضی

دیگر از قوانین و مقررات به کرات بیان شده است، ولی هیچکدام از آنها تعریفی از واژه

«خواسته» ارائه نداده‌اند. بعضی از نویسندگان حقوقی آن را به ترتیب ذیل تعریف نموده‌اند:

«(=مدعی به) آنچه که کسی از دادگاه بخواهد تا رسیدگی شود. خواسته ممکن است امر مالی یا

غیر مالی (مانند دعوی نسب) باشد. خواسته باید منجز باشد»^۴

پاره‌ای از نویسندگان در تبیین مفهوم «خواسته» نوشته‌اند؛ خواسته آن است که، خواهان آنرا

مطالبه می‌کند. به عنوان مثال در دعوای مطالبه طلب، خواسته خواهان وجوهی است که از

خواننده، ادعای طلب آن را دارد و در جایی که زمین خواهان غصب شده است و خواهان برای

بیرون کردن غاصب طرح دعوا می‌کند. خواسته او خلع ید مفهوم است. همین خواسته را

خواهان می‌تواند، تا پایان جلسه اول تغییر دهد.^۵

^۱ - معین، محمد؛ پیشین، ص ۶۸

^۲ - عمید، حسن؛ پیشین، ۵۱۷

^۳ - انصاری، مسعود و طاهری، محمدعلی، دانشنامه حقوق خصوصی، ص ۹۱۵

^۴ - جعفری لنگرودی، محمدجعفر؛ پیشین، ص ۳۴۱

^۵ - مهاجری، دکتر علی، آیین دادرسی مدنی، ص ۴۴۲.

همچنین در تعریف خواسته آمده است که: «به جای مدعی به، به کار می‌رود، و آن چیزی است که در مرافعات و امور حسبی از دادگاه بخواهند.»^۱

بنابراین آنچه خواهان از دادگاه تقاضا می‌کند، خواسته نامیده می‌شود. به عبارت دیگر خواسته یا مدعی به موضوعی است که هدف خواهان را از طرح دعوی مشخص می‌کند. ممکن است خواسته الزام به انجام امری است یا الزام به ترک امری و یا الزام به انتقال مال؛ همچنین ممکن است خواسته شناسایی موقعیت حقوقی و یا اعلام یک وضعیت حقوقی باشد.

ب) تعیین خواسته

در بیان معنای تعیین، لغت شناسان نوشته‌اند: «۱- معین و مخصوص کردن. ۲- برگماشتن؛ کسی را به کاری یا مقامی گماشتن.» معین نیز در فرهنگ خود «تعیین» را به ترتیب ذیل معنی نموده است: «۱- مص.م) پیدا کردن، باز نمودن. ۲- مخصوص کردن. ۳- برگماشتن، کسی را به کاری نصب کردن. ج تعیینات.»^۲ تعیین از باب تفعیل بوده به معنای معین نمودن است.

یکی از مهمترین رسالتهای علم حقوق عبارت است ایجاد نظم اجتماعی و امنیت اقتصادی در جامعه است تا زمینه‌ی هر گونه نزاع و اختلاف بین افراد جامعه را از بین ببرد. در این راستا قانونگذاران، افراد جامعه را مکلف می‌نمایند، نه تنها معاملات خود را معین نمایند، بلکه آنها را مجبور می‌نمایند که خواسته‌های خود را در دعاوی معین نمایند. در قانون مدنی، لفظ «معین» در معانی مختلف از جمله موارد زیر بکار رفته است:^۳

۱- گاه لفظ «معین» در مقابل لفظ مجهول و به مفهوم معلوم بودن استعمال می‌شود؛ قانون مدنی در این زمینه بیان داشته است: «مقدار و جنس و وصف مبیع باید معلوم باشد و تعیین مقدار آن به وزن یا کیل یا عدد یا ذرع یا مساحت یا مشاهده تابع عرف بلد است.»^۴

۱ - جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج سوم، چاپ اول، گنج دانش، تهران، ۱۳۷۸، ص ۱۸۳۵، شماره ۶۷۲۴.

۲ - عمید، حسن؛ منبع پیشین، ص ۳۶۵

۳ - معین، محمد؛ منبع پیشین، ص ۳۳۱

۴ - امینی، عیسی، تعیین مورد معامله، نشریه تحقیقات حقوقی آزاد، ۱۳۸۶، پیش شماره ۱، تابستان ص ۳

۵ - ماده ۳۴۲ قانون مدنی

۲- گاه لفظ «معین» در برابر مفهوم «مردد نبودن» به کار می‌رود؛ در این صورت معین بودن بدین مفهوم است که مورد معامله در میان اشیاء مختلف مشخص باشد و نباید به صورت یکی از دو چیز به طور نامعین باشد. مثلاً شخصی تعهد کند به عنوان ثمن، یک تخته فرش یا یک میلیون ریال وجه نقد تحویل دهد.

۳- گاه لفظ «معین» به مفهوم اعم از معلوم و معین بودن به کار می‌رود. این معنا در مواد زیر به کار رفته است. الف:- «برای صحت هر معامله شرایط ذیل اساسی است: ۱- قصد طرفین و رضای آنها. ۲- اهلیت طرفین. ۳- موضوع معین که مورد معامله باشد. ۴- مشروعیت جهت معامله.»^۱ ب:- «عین مستاجر به معین باشد و اجاره‌ی عین مجهول یا مردد باطل است.»^۲

به نظر ما واژه‌های معلوم و معین مصادیق بارز عبارت ادبی و منطقی: «اذا افترقا اجتماعا و اذا اجتماعا افترقا» می‌باشد. به عبارت دیگر در جایی که واژه تعیین به تنهایی به کار می‌رود شامل معلوم و معین بودن می‌باشد. به عبارت دیگر واژه «معین بودن» علاوه بر اینکه شامل معلوم بودن است، اگر بین دو یا چند چیز مختلف مردد باشد، نیز پذیرفته نیست.

با توجه به مقدمه فوق؛ منظور از «تعیین خواسته» این است که خواسته معلوم و معین باشد. به عبارت دیگر، در دعاوی مدنی خواهان باید در دادخواستی که تقدیم دادگاه می‌کند خواسته خود را تعیین کند و در همان بدو امر معلوم کند که از دادگاه چه می‌خواهد.^۳ در این خصوص بند «۳» از ماده (۵۱) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، در شرایط تقدیم دادخواست مقرر می‌دارد: «.....۳- تعیین خواسته و بهای آن مگر آن که تعیین بهاء ممکن نبوده و یا خواسته مالی نباشد...»^۴

خواسته خواهان باید در دادخواست و در قسمت مربوط آن، دقیقاً مشخص شده باشد (برای نمونه، محکومیت خوانده به پرداخت یکصد میلیون ریال، اعلام وجود رابطه زوجیت یا...).

۱ - صفائی، سید حسین؛ دوره مقدماتی حقوق مدنی، جلد دوم، چاپ اول، تهران، میزان، ۱۳۸۲، ص ۱۳۳

۲ - ماده ۱۹۰ قانون مدنی

۳ - ماده ۴۷۲ قانون مدنی

۴ - پور آذر، علی؛ مباحثی در باره تعیین و تقویم خواسته؛ نشریه کانون وکلای دادگستری مرکز کرمانشاه، ۱۳۸۵، شماره

۱۳-۱۲ پاییز و زمستان ص ۵۷ الی ۹۰

۵ - بند سه ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹

حقیقت، دادگاه مکلف است به تمامی خواسته‌های مندرج در قسمت مربوط دادخواست، به همان صورت که آمده است، توجه نموده و نسبت به آن‌ها، نفیاً یا اثباتاً، رأی صادر نماید و الاً مستکف از احقاق حق شمرده می‌شود.

تعیین خواسته، افزون بر آن، محدوده رسیدگی دادگاه، و نیز اموری را که می‌تواند مورد حکم قرار دهد و همچنین میزان محکوم به را مشخص کرده و دادگاه را از ورود در موضوعات خارج از چهارچوب خواسته و یا بیش از آن ممنوع می‌نماید.

اگر چه، دادگاه باید تمامی خواسته‌های خواهان را مورد رسیدگی قرار دهد. اما ممکن است، با احراز نکردن ذی‌حقی او، خواهان را جزئاً یا کلاً محکوم به بی‌حقی نماید. البته ماده ۵۱۵ ق.ج. به خواهان اجازه داده که خسارات دادرسی و برخی حقوق دیگر که از تقصیر خواننده در ادای حق ناشی شده و به او وارد شده است را در دادخواست نیاورد و در اثنا دادرسی مطالبه کند.^۱

بنابراین، چنانچه خواهان خواسته یا خواسته‌هایی را به نحو مردد طی دادخواستی از دادگاه بخواهد مانند این که از دادگاه الزام خواننده به تنظیم سند رسمی انتقال ملک یا اعلام فسخ عقد به علت امتناع خواننده از حضور در دفترخانه اسناد رسمی را بخواهد، در این صورت دفتر دادگاه مکلف است به خواهان اخطار نماید که خواسته‌های خود را از حالت تردید خارج و به طور قطع برای دادگاه معین کند که از دادگاه چه می‌خواهد. البته منعی نیست که خواهان چندین خواسته را به طور قطع تعیین و از دادگاه محکومیت خواننده نسبت به آنها را بخواهد. چنانچه خواهان می‌تواند از دادگاه محکومیت خواننده را به الزام به تنظیم سند رسمی انتقال و پرداخت وجه تخلف قراردادی به علت عدم حضور در دفترخانه اسناد رسمی را بخواهد.^۲

اگر خواسته و بهای آن موقت و متزلزل باشد، مستلزم تردید و عدم جزمیت دعوی گردیده و مشمول بند ۹ ماده ۸۴ ق. آ. د. م خواهد شد. نظریه مشورتی مورخ ۱۳۴۳/۴/۱۶ مقرر می‌دارد: «بر طبق بند ۳ ماده ۷۲ ق. آ. د. م. باید خواسته و بهای آن تعیین گردد، مگر آن که تعیین بها ممکن نبوده یا خواسته مالی نباشد»^۳

۱- شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، ص ۳۳.

۲- پور آذر، منبع پیشین، ص ۵۹

۳- بند ۳ ماده ۵۱ قانون آ.م. فعلی

۴- حسینی، سید محمد رضا؛ قانون آیین دادرسی مدنی در رویه قضائی، چاپ دوم، سال ۱۳۸۳ ص ۱۸۳